**اشتقاق نام های برخی از شهرهای ایران**

**سروش سروشیان، جمشید**

شناختن نامهای شهرها و ده‏های ایران،از نظر لغات و آثار زبان فارسی قدیم و اساس ملیت‏ ایران بس مهم است.امروزه معنای نامهای بیشتر شهرها و ده‏ها برای ما نامفهوم است هر یک از این‏ اسماء بمناسبتی برگزیده گرویده و مسلما معنا و مفهوم خاصی دارد که اگر بر اساس قواعد فقه اللغه‏ «فیلولوژی»تتبع شود باحتمال قوی معانی اغلب آنها کشف می‏شود.

برخی از نویسندگان و مؤلفین فرهنگهای زبان فارسی در گذشته معانی عجیب و غریبی به‏ بعضی از شهرها و ده‏ها داده‏اند که با علم زبان‏شناسی مغایرت دارد،مثلا شیراز را اصطخری بمعنی شکم‏ شیر و دیگران شیر ترش و دوغ و غیره معنی نموده‏اند.وجه تسمیهء اصفهان را هم برخی«آصف‏ بنگر»دانسته‏اند و گفته‏اند حضرت سلیمان با وزیرش آصف با قالیچهء سحرآمیزش از روی شهر اصفهان میگذشت چون پائین را نگریست شهر بزرگی را دید رو کرد بآصف گفت آصف هان‏ یعنی«آصف بنگر»و از این رو این شهر اصفهان نامیده گردید،و بسی تفسیرها و داستانهای دیگر از این قبیل.

بنظر اینجانب بر اساس قواعد دستوری و گرامری پی بردن به ریشهء این کلمات حساب و قاعده‏ خاصی دارد،باین معنی که چون واژه‏های اصیل فارسی از ریشهء پارسی باستان و اوستائی و سانسکریت‏ گرفته شده باید با مطالعهء زبانهای کهن در این باره جستجو و غور نمود و اشتقاقات این السنه را راهنمای حل آن قرار داد.

در خطی که امروزه خط اوستائی یا زند گفته میشود علامتی است بدین شکل«Q»که‏ در برخی از خطوط و زبانهای دیگر آریائی که زبان فارسی پیوستگی دارد هنوز بجاست، چنانکه در انگلیسی علامت«HT»که خوانده میشود در فارسی امروزه نیست و این حرف در فارسی مبدل به(ت-دث-س-ه-ی)شده است مانند:زرتشش Zrathustra «ت» زرتشت«د»زردشت.

گاتا Gatha «س»گاس و گاسان در پهلوی.«ه»گاه و گاهان در فارسی که بمعنی آهنگ‏ موزون و موقع میباشد هنوز در اصطلاحات دستگاه موسیقی ایرانی،سه‏گاه،چهارگاه و غیره بجاست.

میتر Mithra «ه»مهر.چیتر Chithra «ه»چهر.میتن Mithan «ه»میهن.

فرمیثن Farmithan «ت»فرمیتن که در ماهان کرمان نام قنات و آب بزرگی است و یک‏ بخش از شهر کرمان هم بدین نام خوانده میشود که بمعنی جلو مرز و بوم و زادگاه است زیرا فر Far یا فرا Fra بمعنی پیش و مقدم است مانند فرا داشتن.

خرمیثن قریهء در بخارا و زادگاه مادر ابو علی سینا،میثنه Misane یا میهنه که دهی در خراسان‏ است و آنرا مهنه هم گویند.

خشتر XSathra «ه-ی»شهر.شیر بمعنی حکومت،قدرت،شهر یا بلد است.

خمثین Xomithan «ی»خمین از دهات کاشان است.در تاریخ قم که بسال 378 تألیف یافته‏ بگفتهء حمزهء اصفهانی این شهر تا آن زمان بصورت خمیهن(خمین)خوانده ونوشته میشده است.

بعضی ازX«خ»های اوستائی در فارسی حذف گردیده که همانند آن بسیار است مانند واژه خشنا Xsna در فارسی شناختن.خشف Xsaf در فارسی شب.خشتر Xsathra در فارسی‏ شهر یا شیر شده است.در دیگر زبانهای آریائی اروپائی همانند دارد چنانکه شب در انگلیسی نیخت‏ Night نوشته میشود ولیکن خ آن خوانده نمیشود اما در آلمانی خ آن خوانده شده و ناخت گویند، بنابراین خشتر اوستائی که بمعنی سلطه و قدرت و حکومت شهر یا بلد است در زبان فارسی خ آن‏ حذف و حرف Th آنهم مبدل به«ه»یا«ی»گردیده که شهر و شیر گوئیم،شیر درنده معروف‏ هم بواسطه قدرت و چست و چالاکی تنی آن بدین نام خوانده شده بنابراین معنی بسی از شهرها مانند شیراز و سیرجان و بردسیر و بوشهر و نرماشیر و گواشیر که مرکز استان کرمان در پارینه بدین‏ نام خوانده میشده هویدا و معلومست.اکنون معنی هر یک جداگانه توضیح داده میشود.

شیراز.شیر بمعنی شهر چنانچه در کلمه خشتر توضیح داده شد.راز،در زبان اوستائی رازا Raza و در پهلوی و فارسی راز بمعنی اسرار و انزوا میباشد و چون طبق اصول دستوری از دو حرف‏ هم جنس پهلوی هم یکی حذف می‏شود شیر راز،شیراز شده است یعنی شهر راز و چنانکه گفته‏اند این شهر محل اسناد سلطنتی و کتابخانه بوده است.

سیرجان.را در قدیم سیرگان و شیرگان واردشیرگان می‏گفته‏اند و امروز معرب آن که‏ سیرجان باشد در نوشته‏ها و گفته‏ها بکار می‏رود.

بردسیر.در قدیم وه اردشیر و به اردشیر و مخفف آن در بردشیر گفته میشده.

بوشهر.در قدیم بوخت اردشیر گفته میشده چنانکه در کارنامهء اردشیر پاپگان در بخش 5 فقره 10 آمده است«چونش دریا بچشم بدید اندر یزدان سپاسداری انگارد و بدآنجا روستائی را، بوخت اردشیر،نام نهاد.

...بوختن بمعنی نجات یافتن است چنانکه سه بوخت منظور همت و هوخت و هورشت یا اندیشه‏ نیک و گفتار نیک و کردار نیک باشد،و بوشهر مخفف بوخت اردشیر است و بخت یشوع بمعنی آزاد شدهء یسوع است.نیز میتوان حدس زد که بوشهر مخفف بوخت شهر باشد یعنی،شهری که آزادی‏ یافته است(آزاد شهر)و این حدس اخیر از توضیح قبلی(مخفف اردشیر)صحیح‏تر مینماید.

گواشیر.مخفف گواردشیر باشد که بمعنی دلیر و کردی اردشیر است.

نرماشیر.را مخفف نرمش اردشیر که بمعنی آرامش بخشنده اردشیر باشد میتوان دانست، خود اردشیر در زبان اوستائی ارت خشتر میباشد که ارت ARAT یا ارد ARD بمعنی پاکی‏ و تقدس است و پیشوند دسته‏ای از کلمات فارسی است.مانند اردیبهشت-اردوان-اردستان- اردکان-اردبیل و اردلان و غیره.پس اردشیر بمعنی سلطه و قدرت و شهریار مقدس است.

مجلهء یغما-نظر و تحقیق آقای پرویز سروش سروشیان اگر مسلم و قطعی هم نباشد موجب‏ و مفتاحی برای بحث درین موضوع از طرف علمای زبان‏شناس دور و نزدیک تواند بود.